

انتشارات بنیاد در
آئینه نگاه دیگران

گنجینه مقالات^(۱)

بزرگ علوی

این کتاب به تمام معنی گنجینه‌ای است که مورخ و محقق را با مسائل سیاسی و اجتماعی و فرهنگی ایرانیان در صد سال اخیر مواجه می‌کند. آئینه‌ای است ایران‌نما... مهم‌ترین هدف نویسنده حفظ و پرورش وحدت ملی است که بر نژاد و زبان و تاریخ و ادبیات مبتنی است. نامبرده در تمام دوران فعالیت روزنامه‌نویسی و سیاسی و ادبی هرگز از این فکر غافل نشد... منتها این حبّ وطن مانع نمی‌شد به برخی از کاستی‌های رجال و مردم ایران از قبیل اجتناب از کار دسته‌جمعی و دورویی و مال‌پرستی و مزاح‌گویی که در خلق و خوی عموم در اثر دو هزار و پانصد سال استبداد رخنه کرده بوده، نتازد. طبیعی است که در دوران دیکتاتوری بیست ساله قلم او را هم شکستند و مانع از اشاعه افکار ترقیخواهانه او شدند. اما به محض اینکه نسیم آزادیخواهی در اثر سرایت آتش جنگ دامن ایران را گرفت، بار دیگر وارد میدان شد و کوشید

۱. درباره‌ی گزیده‌ی مقالات دکتر محمود افشار. نقل از آینده سال ۱۶، آذر تا اسفند ۱۳۶۹، صص ۷۸۳-۷۸۴.

خلافی که حیات سیاسی کشور را تهدید می‌کرد، با تشویق اهل فضیلت به فعالیت اجتماعی پرکند.

هنگام قضاوت درباره این کتاب پانصد و شش صفحه‌ای که در عرض یک عمر نوشته شده، باید زمان و مکان را در نظر داشت و حقانیت آن را ارزیابی کرد. من باب مثال اگر دکتر افشار خود را پان ایرانیست می‌نامند، باید توجه داشت که پان ایرانیسم او با آنچه امروزه برخی از گروه‌ها بدان می‌نازند، فرق دارد. یا مثلاً اگر بعضی از سیاستمداران را روی اقدامات سیاسی - اجتماعی‌شان ستوده، باید سنجید که همین اشخاص در مراحل دیگر هم توانسته‌اند پاکدامنی و دلیری خود را مقابل خودخواهی‌ها و ندانم‌کاری‌های قدرتمندان زمانه بروز دهند یا تسلیم ظلم و زور شده‌اند.

نویسنده تا آنجا که می‌توانسته است تحت تأثیر دشمنی‌ها و مخالفت‌های روزانه نرفته و تا آن میزان که برایش میسر بوده است، واقعیت تلخ را آشکار ساخته است... خرده‌گیری از سیاست داخلی و خارجی و جنگ سرد، عیب‌جویی از رجال بی‌مایه و خودخواه و ضعف دولت در مقابل بیگانگان و آنچه پشت فرهنگستان و جعل لغات نهفته، از اهم مطالب این اثر است که هنوز هم برای ایرانیان آموزنده می‌تواند باشد، تا آن میزان که بتوان از آنها تجربه اندوخت و درس گرفت و بکار برد. انتقاد از وضع کشور همواره بدین نیت است که دلائل عقب‌ماندگی ایران از کشورهای مرفعی اروپا کشف شود تا بتوان در رفع آنها کوشید.

توجه مخصوص به افغانستان و روابط ویژه آن با ایران موضوعی است که دکتر افشار هرگز از آن فارغ نشده و یک عصر با آن ور رفته است.

تیزبینی و بصیرت شایان تذکر، توجه او به موضوع سرزمین ماورای قفقاز است که به مقاله‌ای تحت عنوان «اران و مسئله آذربایجان» آشکارا می‌شود. موضوعی که چندین دهه ایرانیان را بخصوص در پایان جنگ دوم جهانی گرفتار ساخت و هنوز هم کسانی یافت می‌شوند که این خطه را به این نام می‌نامند.

نکته مهم در این اثر صداقت و متانت و تعادل است که همواره رعایت

شده و خواننده را مفتون می‌سازد... دو اصل که نویسنده در جوانی اساس اخلاق و رفتار خود قرار داده؛ «دورغ نگو، قسم نخور» در تمام کتاب به چشم می‌خورد. و خواننده اطمینان دارد که مرد جا افتاده‌ای به حوادث نگریسته و آنها را تحلیل کرده است... شاید کسب این خصائل نتیجه جهان‌دیدگی و سفرهای طولانی است که از آن عشق به وطن زائیده شده است.